

ابوالفتح آتابای؛ مامور چشیدن غذای همایونی

۱۰ تیر ۱۴۰۰ ساعت ۱۳:۰۳

آتابای نیز در سال ۱۳۴۶ به یکی از معاونتها، که معاونت امور انتظامی وزارت دربار بود، منصوب شد و تا خروج محمدرضا شاه در دی ۱۳۵۷ در این پست باقی ماند. از جمله وظایف آتابای در این سمت «چشیدن و مهور کردن غذای همایونی» بود. از سال ۱۳۴۷ نیز کمیته‌های متعددی برای برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله تشکیل شد آتابای در ابتدا به ریاست کمیته پذیرایی و از سال ۱۳۴۹ به ریاست کمیته فنی و تجهیزات اقامتگاههای سران کشورهای مدعو در این جشن پرهزینه منصوب شد.

بدبینی، بی‌اعتمادی، چاپلوسی، فساد، فرصت‌طلبی از عمده‌ترین ویژگی‌های فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی حاکم در طی تاریخ سیاسی معاصر ایران و بالاخص در دوره محمدرضا شاه بوده است. با این وجود برخی از نخبگان به دلایل مختلف همچنان در ساختار قدرت پهلوی ایفای نقش می‌کردند و برای دسترسی به مناصب سیاسی و اقتصادی از هیچ تلاشی فروگذار نبودند. یکی از افراد نام‌آشنای سران حکومت پهلوی ابوالفتح آتابای بود. ابوالفتح آتابای فرزند آقاخان از یاران نزدیک محمدرضا پهلوی بود که در جوانی به واسطه عموی خود تیمسار سرلشکر دکتر هادی آتابای، داماد بزرگ رضاشاه به دربار راه یافت. اولین شغلی که به وی واگذار شد ریاست گاراژ ولیعهد در سال ۱۳۱۷ بود. تفاوت کم سنی وی و ولیعهد باعث دوستی آن دو شد گرچه محمدرضا پهلوی، در اوج قدرت، دوستان دیگری چون اسدالله‌آلم را که در سیاست نیز صاحب نظر بودند بر وی ترجیح می‌آداد.

آتابای: از همراهی با رضاخان تا آجودانی پهلوی دوم

در شهریور ۱۳۲۰، پس از حمله متفقین به کشور، رضاشاه قصد ترک تهران و عزیمت به اصفهان را داشت. این اقدام منجر به حرکت بسیاری از رجال به سمت اصفهان شد تا به شاه بپیوندند. ابوالفتح آتابای میرآخور ولیعهد نیز به همراه نصرالله‌انتظام از تهران به سوی اصفهان حرکت کردند ولی در قم با شنیدن شایعه بازگشت شاه به تهران آنان مجدداً به پایتخت برگشتند. پس از به سلطنت رسیدن محمدرضا پهلوی در شهریور ۱۳۲۰، آتابای در سمت خود ابقا شد. در سال ۱۳۲۳، علاوه بر میرآخوری و سرپرستی گاراژ سلطنتی، سرپرستی شکارگاههای سلطنتی را نیز بر عهده وی نهادند، و یک سال بعد به ریاست اداره شکارگاهها منصوب شد. در جریان کودتای نافرجام ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ بر ضد دولت دکتر مصدق، محمدرضا پهلوی مجبور به گریز از کشور شد و همراهان وی در این سفر ابوالفتح آتابای، ثریا اسفندیاری و خلبان خاتم بودند. آتابای در بغداد و رم شاه فراری را همراهی م‌اک‌کرد. محمدرضا پهلوی در کتاب پاسخ به تاریخ اظهار م‌کنند که آتابای میرآخورش او را به اصرار در این سفر همراهی کرد. پس از اجرای کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازگشت پیروزمندانه محمدرضا شاه، آتابای به سرپرستی کاخهای سلطنتی

منصوب شد.

در سال ۱۳۴۰، با روی کار آمدن دولت دکتر امینی، طرح اصلاحات دولتی و رسیدگی به فساد مالی دولتمردان آغاز شد. امینی در گفت و گویی با شاه به مسئله فساد مالی اطرافیان وی پرداخت و از جمله به آتابای نیز اشاره کرد: «مثل اینکه در مورد این بیچاره [ابوالفتح] آتابای که زمینی را در بهشهر به سازمان برنامه فروخته بود در همین دستگاه آقای ابتهاج، زمین مال غیر — یک پانصد هزار تومان، یک همچین چیزی هم بود. به شاه گفتم آقا یک همچین چیزی هم است. بالاخره یا پولش را باید بیایید به ما پس بدهید یا بایستی ایشان را تعقیب کنیم. گفتند من؟ گفتم نمائگویم شما ولی بالاخره این بسته شماست.»^۳ شاید این یکی از دلایلی بود که باعث شد آتابای نیز به جرگه مخالفان دکتر امینی در دربار پیوست و به محمدرضا شاه توصیه مملکتگرد که از ریشه [دواندن] امینی جلوگیری کند.^۴

در سال ۱۳۴۰ ش. ابوالفتح آتابای به عضویت کانون شکار ایران، که کانونی متشکل از شاه و دیگر درباریان علاقه‌مند به شکار بود، درآمد. با انتصاب امیراسدالله‌آلم به وزارت دربار در سال ۱۳۴۵ ش. ساختار وزارت دربار تغییر اساسی کرد و سه معاونت در زیر مجموعه این وزارتخانه ایجاد شد. آتابای نیز در سال ۱۳۴۶ به یکی از معاونتها، که معاونت امور انتظامی وزارت دربار بود، منصوب شد و تا خروج محمدرضا شاه در دی ۱۳۵۷ در این پست باقی ماند. از جمله وظایف آتابای در این سمت «چشیدن و مهمور کردن غذای همایونی»^۵ بود. از سال ۱۳۴۷ نیز کمیته‌های متعددی برای برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله تشکیل شد آتابای در ابتدا به ریاست کمیته پذیرایی و از سال ۱۳۴۹ به ریاست کمیته فنی و تجهیزات اقامتگاه‌های سران کشورهای مدعو در این جشن پرهزینه منصوب شد. در این دوره او مأمور سفارشهای کلان جشنهای ۲۵۰۰ ساله بود که بالطبع برای وی منافع مالی فراوان داشت. علاوه بر این منافع دوره‌ای، او در باند مافیای مالی دربار پهلوی نیز قرار داشت و از سهامداران شرکت سهامی خاص نازدشت میناب و کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز بود که اکثر سهامداران این شرکتها را افراد درباری تشکیل می‌آدادند. ابوالفتح آتابای چون در جرگه یاران خوشگذران محمدرضا پهلوی قرار داشت چندان مورد عنایت فرح دیبا نبود.^۶ البته از سوی محمدرضا پهلوی هم چندان جدی گرفته نمائند، چنانچه علم در مورد واگذاری کاخ مرمر به شهرداری تهران در خاطرات خود مملکت‌نویسد: «آتابای معاون انتظامی من به شاه عرض کرده بود فقط خود کاخ را بدهیم و محیط اطراف آن را نگهداریم. امروز من عرض کردم این کار در شأن شاهنشاه نیست یا مرحمت نفرمایید یا اگر مرحمت مملکت‌نفرمایید محوطه را هم بدهید. فرمودند کاملاً درست مملکت‌گویید؛ آتابای بچه گداست و فکر او هم متحجر است.»^۷

همسر آتابای بدری خواجه‌انوری بود که با تحصیلات کتابداری ابتدا به معاونت کتابخانه سلطنتی و بعد به ریاست این کتابخانه منصوب شد. آتابای دارای سه فرزند پسر به نامهای کامروز، کامران و کامبیز بود. کامروز آتابای در سال ۱۳۴۸ در فرحآباد خودکشی کرد ولی دو فرزند دیگر هر دو به مشاغل مهمی در دربار منصوب شدند. با وقوع انقلاب اسلامی، در ۲۶ دی ۱۳۵۷ آتابای بار دیگر محمدرضا پهلوی را در گریز از کشور همراهی نمود و این بار بازگشتی در کار نبود و او مجبور به اقامت در آمریکا شد تا اینکه در سال ۱۳۷۵ درگذشت.

پی نوشتها

۱. خاطرات نصرالله‌انتظام، شهریور ۱۳۲۰ از دیدگاه دربار. به کوشش محمدرضا عباسی و بهروز طیرانی. تهران،

۱. Mohammad Reza Pahlavi, th Shah of Iran Answer to History. NewYork, a Scarborough Book,Stein and Day, ۱۹۸۲. p ۹۰.

۲. خاطرات علی امینی. به کوشش حبیب لاجوردی، تهران، گفتار، ۱۳۷۶. ص ۱۴۰.

۳. همان، ص ۱۵۲.

۴. سند مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره ۱۱۴-۳۲-۴۵.

۵. اسدالله علم. یادداشتهای علم. ویراستار علینقی عالیخانی. تهران، انتشارات معین و مازیار. ج ۱، ص ۲۷۷.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۸.

۷. همان، ج ۱، ص ۱۹۰.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۴۰۷/ابوالفتح-آتابا-چشیدن-مامور-آتابا-ابوالفتح>